به پیش!

پنج شنبه ۵ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ ، ۵ مه ۲۰۰۵

اتحاد سوسیالیستی کارگری | شماره ۱ | هر دو هفته یك بار منتشر میشود

در باره به پیش!

اولین شماره به پیش! در دست شماست.

به پیش! نشریه سیاسی، خبری اتحاد سوسیالیستی کارگری است. حوزه کار این نشریه را بررسی رویدادهای جاری در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ارزیابی تاثیرات آنها بر اقشار مختلف جامعه تشکیل میدهد.

به پیش! بر متن نظریه و مشی سیاسی همه جانبه ای که منافع و اهداف طبقاتی کارگران و زحمتکشان را تامین میکند، به مسائل مشخص مطرح در جامعه و مبارزات اعتراضی و روزمره مردمی معطوف است؛ و در این راستا همه اشکال مجسم و عینی تبیینات سوسیالیسم کارگری از زندگی و جدالهای اجتماعی جاری را در خود جای میدهد.

هدف ما اینست که این نشریه در تحکیم و تقویت مبارزات حق طلبانه سهم درخوری ایفا کند و در تداوم و تکامل خود به ابزاری موثر در نبردهای پیش رو مبدل گردد.

هر شماره به پیش! حاوی اخبار، مقالات و مصاحبه هائی خواهد بود، که بنا برآنچه گفته شد، بطور عمده به مسائل جاری مطرح در جنبش های اجتماعی موجود و نیز به رویدادها و موضوعات مهم روز و اوضاع و تحولات سیاسی در ایران میپردازد؛ اما در عین حال پرداختن به مسائل عمده و مهم جهانی را نیز در محدوده کار خود میداند.

ما تلاش خواهیم کرد که انتشار منظم این نشریه را همراه با بهبود مداوم کیفیت آن تأمین کنیم.

دیرپائی و پرباری به پیش! در گرو همکاری همه کسانی است که خود را در اهداف آن سهیم میدانند. ما نظرات و پیشنهادات شما را در چارچوب اصولی که راهنمای این نشریه است، منعکس خواهیم کرد و پرسش های شما را مورد توجه قرار خواهیم داد.

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای به پیش! منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.*

"فراخوان کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری"

" در راستای تلاش کارگران ایران برای دستیابی به تشکل های خود، در بهمن ماه گذشته «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری» با طومار حمایتی چند هزار کارگر اعلام موجودیت نمود. چند روز قبل از اول ماه مه امسال نیز اطلاعیه ای با امضاء «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» منتشر شد که خبر از تلاش دیگری برای تحقق این پایه ای ترین خواسته طبقه کارگر ایران میدهد. متن این اطلاعیه را میخوانید.\ به پیش!"

تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم !

کارگران !

امروز یکی از بدیهی ترین و ابتدائی ترین حقوق مسلم و شناخته شدهٔ کارگران جهان حق ایجاد هر نوع تشکل کارگری است. در دنیای امروز کارگران تشکل خود را بدون اجازهٔ دولت ها ایجاد می کنند و دولت ها، طبق استانداردهای جهانی، فقط وظیفه ثبت این تشکل ها را بر عهده دارند و در صورت ثبت نکردن آن ها هم، این تشکل های کارگری می توانند تشکیل شوند و فعالیت کنند.

صفحه ۲

اعلامیه به مناسبت اول ماه مه
پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری

اول ماه مه باید بعنوان روز کارگر تعیین شود. روز کارگر باید تعطیل رسمی باشد و کارگران باید آزاد باشند تا به هر نوعی که خود تشخیص می دهند مراسم روز کارگر برگزار کنند. این حکم جهانی طبقه کارگر برای اول ماه مه است. کارگران همه کشور ها برای تحقق این حکم در کشور خود مبارزه کرده اند. در این راه، مبارزه طبقه کارگر ایران تاریخی پر فراز و نشیب دارد و اول ماه مه سال گذشته سقز يك نقطه درخشان در این تاریخ طولانی است. دستگیری و محاکمات 7 نفر دستگیر شده اول ماه مه سقز نزديك يكسال است جریان دارد. این واقعه هم وسیله اتصال محکم جنبش کارگری ایران با جنبش کارگری جهانی شد و هم مبارزه برای روز کارگر را گامها به جلو سوق داد. مبارزه کارگران ایران برای روز کارگر هنوز به موفقیت کامل نرسیده و باید ادامه یابد.

اول ماه مه امسال در شرایطی فرا میرسد که اعتصاب و مبارزه کارگران در تمام طول سال گذشته بدون وقفه ادامه داشته است اما لیست طولانی مطالبات کارگران ایران هنوز بی پایان است. خواستهای کارگران از کسی پنهان نیست. وسیع ترین توده های کارگر و به انحای گوناگون این خواستها را بیان کرده اند و مقامات رژیم، صاحبان سرمایه و صنایع همگی از آن مطلع هستند. افزایش دستمزد یکی از عمومی ترین و همگانی ترین آنهاست. فاصله حداقل دستمزد فعلی با حداقل دستمزدی که کارگران میخواهند بسیار زیاد است، چنانچه اگر جریانی برای مرحله اول و فورا خواستار 5 برابر شدن حداقل دستمزد شود، بسیارند بخشی هایی از جنبش کارگری که آنرا کافی نمیدانند.

صفحه ۲

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!

دنباله از صفحه ۱

ادامه وضع فعلی، کارگران را به خواستهای خود نمیرساند. کارگران فقط با ایجاد تشکل به خواستهای خود میرسند. تحقق هر مطالبه کارگری نیاز به تشکل دارد. فقدان تشکل یکی از معضلات دیرینه جنبش کارگری است. رفع این معضل دیرینه راهی جز تمرکز همه جانبه کارگران بر موضوع تشکل و تلاش برای یافتن راه هایی برای ایجاد آن ندارد. گرایشات مختلف جنبش کارگری تشکلهای متفاوتی میخواهند و بر آن پای میفشارند و در عین حال برای ایجاد تشکلهای کارگری اتحاد کل طبقه لازم است. ایجاد هم نظری میان تمامی طرفهای درگیر بمنظور ایجاد یك نوع تشکل کارگری نه ممکن است و نه ضروری. اما ایجاد هم نظری حول یك راه حل واحد برای ایجاد تشکل کارگری هم ضروری است و هم ممکن. این آن موضوعی است که ظرفیت و امکان آنرا دارد تا تلاشها و فعالیتهای کلیه بخشهای جنبش کارگری برای ایجاد تشکل را در یك بستر عمومی و وسیع قرار دهد و کل طبقه را برای ایجاد تشکل متحد کند. این آن موضوعی است که میتواند اول ماه مه امسال را با مهمترین مسئله روز کارگری جفت کند و به شتاب جنبش کارگری بیافزاید.*

زنده باد روز کارگر
کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
اردیبهشت 1384

دنباله از صفحه ۱

تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم!

دولت ایران به رغم پذیرش مقاوله نامه های 87 و97 سازمان جهانی کار، نه تنها عملاً به این تعهد تن نداده، بلکه با تمام توان در برابر مطلبات کارگران صف آرایی کرده است. امروز در این کوشه از جهان، کارگران از حق داشتن تشکل مستقل و سراسری خود محرومند، به خاطر برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه محاکمه می شوند، در خاتون آباد به خاطر مطالبهٔ کارو امنیت شغلی کشته می شوند، به خاطر زنده ماندن ناچار به پذیرش دستمزد بر اساس استانداردهای بیست سال پیش می شوند، به خاطر داشتن کار کوتاه مدت مجبورشان می کنند پای یک قرارداد سفید را بی قید و شرط امضا کنند، استثمار مضاعف زنان با حقوقی معادل یک سوم همان حداقل دستمزد مصوبهٔ دولت ادامه دارد، و کودکان، به جای تحصیل و زندگی کودکانه، به شکل وحشیانه ای در کارگاه های زیرزمینی و در بعضی جاها به صورت مخفیانه به بردگی کشیده می شوند.

کارگران!

برای رهایی از این همه سیه روزی و فقر و فلاکت و بی حقوقی پیش از هر چیزباید متشکل شویم. اما ما تشکل را از هیچ دولت، سازمان و نهادی درخواست نمی کنیم، تشکل حق ماست، آن را به نیروی خود ایجاد کنیم و سپس از دولت بخواهیم آن را به رسمیت بشناسد. عدم نیاز به مجوز دولت برای تشکل کارگری چنان بدیهی و مبرهن است که حتی در مقاوله نامه 87 سازمان جهانی کار نیز، که در بارهٔ آزادی تشکل کارگری است و دولت جمهوری اسلامی هم آن را پذیرفته، به صراحت قید شده است. بنا بر این، سازمان جهانی کار که خود مقاوله نامه ها را تدوین کرده و به امضای دولت ها رسانده است موظف است به جای مماشات با دولت جمهوری اسلامی به تعهد خود پای بند باشد و بنا بر وظیفه ای که به دوش گرفته است دولت ایران را وادار کند تا به سرکوب فعالان جنبش کارگری پایان دهد. هم چنین، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است امنیت فعالیت کارگری را تضمین کند.

و اکنون ای هم طبقه ای های شریف !

بر پایهٔ منافع مشترک و طبقاتی، وظیفهٔ حمایت از کارگران ایران بر دوش تمامی انسان های شریف در سراسر جهان سنگینی می کند. هست و نیست کارگران ایران بر اثر تهاجم بی امان نظام سرمایه داری بر باد رفته است. ما از شما پیشروان و فعالان کارگری، اتحادیه ها و سندیکاها، انجمن ها و طرفداران طبقهٔ کارگر می خواهیم ما را یاری و حمایت کنید.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

محسن حکیمی (مترجم)- بهروز خباز (فلز کار)- بهرام دزکی(جوشکار) محمود صالحی(خباز)

www.komiteyehamahangi.com
komiteye_hamahangi@yahoo.com

رونوشت به: سازمان دیده بان حقوق بشر
کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری
سازمان جهانی کار

ما امضاء کنندگان زیر فراخوان فوق را تأیید و تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد می کنیم :
این فراخان در تاریخ ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ با امضاء ۳۰۲۹ نفر منتشر شده و امضاها ادامه دارد.

به پیش! زیر نظر شوراي نويسندگان و ويراستاران منتشر ميشود. مسئوليت هر مطلب درج شده بر عهده نويسنده آن است. نظرات جمعي شورا در سرمقاله يا مقالاتي با امضاي به پيش! منعكس ميگردد. شورا در رد يا پذيرش و نيز در كوتاه كردن و ويرايش هر نوشته رسيده آزاد است و تصميمات خود را به اطلاع فرستنده آن ميرساند.

به پیش!

Postfach 940166
Frankfurt 60459
Germany
bepish@hotmail.fr

امروز را شاهد میگیرم (اول ماه مه) که هر لحظه ایستادنم خاموشی است در این جهان

از: محمود صالحی
به: گای رایدردبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری
موضوع: ضرورت پشتیبانی از برگزاری مراسم مستقل در اول ماه مه ۲۰۰۵
تاریخ: ۲۷، فروردین ۱۳۸۴

روز همبستگی جهانی طبقه ما در حالی دارد فرا میرسد که من و شش رفیقم (آقایان جلال حسینی، محمدعبدی پور، برهان دیوانگر، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، و محسن حکیمی) که در اول ماه مه ۲۰۰۴ در شهر سقز دستگیر شدیم، هنوز با مقامات قضائی ایران در کشاکشیم. جمهوری اسلامی ایران گرچه در قانون کار یازده اردیبهشت را بعنوان روز کارگر برسمیت شناخته ولی آنرا:

الف: بعنوان اول ماه مه و روز همبستگی جهانی طبقه کارگر برسمیت نمی شناسد.

ب: برگزاری مراسم مستقل و علنی روز کارگر را برسمیت نشناخته است.

ما پارسال که در ایران سال کبیسه بود همزمان با همطبقه ای های خود در دنیا روزمان را در ۱۲ اردیبهشت گرامی داشتیم و آنرا مستقل از دولت برگزار کردیم. یعنی بدرون سالنهای سربسته رفتیم و بعنوان پیك نیك در دشت و صحرا مراسم نگرفتیم. بلکه برای بزرگداشت روز خود پارکی را در دل شهر سقز انتخاب کردیم. کارگران امسال همچون پارسال قصد دارند مراسم بزرگداشت روز جهانی خویش را آزادانه سازمان دهند. هر جا که ممکن باشد دوباره و بطرزی مسالمت آمیز به خیابانها بیایند، سخنرانی کنند، قطعنامه بدهند و مطالبات طبقه کارگر برای بهبود وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اقشار محروم و تحت ستم جامعه ایران را بگوش همه برسانند. اینها همه حقوقی بدیهی و اولیه است. اما کارگران برای تحقق همین حقوق بدیهی باید خطرات بسیاری را بجان بخرند. فعالین کارگری برای کم کردن و به صفر رساندن این خطرها به نظارت و توجه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد بر برگزاری روز جهانی طبقه کارگر در ایران و کمك و پشتیبانی شما در صورت لزوم احتیاج دارند.

در پایان از حمایت های بیدریغ و ارزنده شما از دستگیر شدگان اول ماه مه سقز در سال گذشته تشکر میکنم.*

زنده باد اول ماه مه
محمود صالحی

قطعنامه مراسم اول ماه مه ، روز جهانی کارگر

نظر به اینکه نظام سرمایه داری اوضاعی را به کارگران تحمیل کرده که فقر، فساد، تبعیض، بی حقوقی، تن فروشی، اعتیاد و دیگر مصائب زندگی بشر امروزی از مظاهر آشکار و بارز آن است، ما مطالبات اساسی طبقه کارگر ایران را به شرح زیر اعلام می کنیم.

۱-اول ماه مه باید به عنوان روز جهانی کارگر در تقویم رسمی کشور تعطیل رسمی و عمومی اعلام شود و دولت جمهوری اسلامی موظّف است. برگزاری علنی، آزادانه و بدون مجوزاین روز را به رسمیت بشناسد و امنیت فعالان کارگری را تضمین کند.

۲-قانون کار باید به نیروی تشکل های کارگری و توسط نمایندگان منتخب کارگران تعیین و تدوین گردد.

۳- ما خواهان تعیین حداقل دستمزد کارگران، نه در زیر خط فقر، بلکه بر مبنای یك زندگی مرفه و انسانی هستیم.

۴-ما خواهان کاهش شدت کار، لغو اضافه کاری اجباری و همچنین کاهش ساعت کار و دو روز تعطیلی متوالی در هفته هستیم.

۵- دولت باید تا زمان ارائه کار مناسب به کارگران بیکار، به آنان بیمه بیکاری کافی پرداخت کند.

۶- دستمزد معوقه کارگران همراه با خسارت آن باید یکجا و فوری پرداخت گردد.

۷-ما خواهان توقف اخراج کارگران – به بهانه هایی چون ((نوسازی صنایع)) – الغای قراردادهای موقت ، اشتغال دائم و تامین امنیت شغلی کارگران هستیم.

۸-ما خواهان بستن پیمان های دسته جمعی از طریق تشکل های واقعی و مستقل کارگران هستیم.

۹-ما خواهان الغای کار کودکان و تامین زندگی شایسته انسانی برای آنان فارغ از تعلقات خانوادگی و کشوری هستیم.

۱۰-تبعیض جنسی باید از میان برداشته شود و زنان باید در تمام عرصه های زندگی از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند.

۱۱-تمامی شهروندان جامعه اعم از ایرانی و غیر ایرانی و شاغل و بیکار باید از بیمه خدمات درمانی رایگان برخوردار شوند.

۱۲-کارگران مهاجر در سراسر جهان باید از حقوق سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی برابر با دیکر کارگران برخوردار شوند.

۱۳-ما از مبارزات حق طلبانه معلمان و پرستاران ، که بخشی از طبقه کارگر را تشکیل می دهند حمایت می کنیم.

۱۴- ما خواهان آزادی تشکل های کارگری ، آزادی اعتصاب، تجمع و راهپیمایی، آزادی بی قید و شرط بیان و مطبوعات و آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

۱۵-ما ضمن حمایت از مبارزات کارگران کشورهای مختلف علیه نظام سرمایه داری، کارگران جهان را به ایجاد انترناسیونال کارگری فرا می خوانیم.

۱۶-ما جنگ بین دولت های امپریالیستی و کشورهای ارتجاعی منطقه را محکوم می کنیم و مردم این کشورها را به مقابله با این جنگ و مقاومت در برابر اشغالگران فرا می خوانیم.

۱۷- ما کشتار کارگران خاتون آباد در ۴ بهمن ۱۳۸۲ را محکوم می کنیم و ضمن درخواست مجازات امران و عاملان این جنایت، کارگران را فرا می خوانیم به هر نحو که مقتضی می دانند روز ۴ بهمن یاد جان باختگان شهر بابك را گرامی بدارند.

۱۸- ما دستگیری و محاکمه فعالان کارگری سقز در اول ماه مه ۲۰۰۴ را محکوم می کنیم و خواهان تبرئه فوری و بی قید و شرط آنان هستیم.

۱۹-پیروزی مبارزه برای تحقق مطالبات فوق در گرو ایجاد تشکیلاتی است که هدفش از میان برداشتن نظام سرمایه داری است. ما کارگران را به مبارزه برای ایجاد تشکل ضد سرمایه داری فرا می خوانیم و با شعار زیر به استقبا ل سا ل جدید می رویم.*

کارگران بیایید علیه سرمایه متشکل شویم!
کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه
(تهران، سقز، بوکان، بانه، مریوان)
اول ماه مه ۲۰۰۵- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴

پر شکوه باد مراسمهای اول ماه مه

علی خدری

تمام خبرها حاکی است که برای برگزاری مراسم روز کارگر امسال جنب و جوش زیادی در شهرها مشاهده میشود. این جنب و جوش دو شکل متضاد دارد. در صف کارگران و مردم آزاده شادی و نشاط و در صف سرمایه داران و جمهوری اسلامیشان غم و نگرانی بچشم میخورد. در صف نخست رهبران کارگری آشکارا در تلاشند تا دستها و دلها را بهم گره بزنند.

و در صف دوم مخیفانه در حال توطئه اند تا این دستها و دلها وحدت نکنند. اولی پیام آور رهائی، سربلندی و رفاه است. دومی در تلاش است تا از رسیدن این پیام جلو گیرد و عبودیت، سرافکندگی و فقر را دوام بخشد. راستی چه خبر است؟ اینهمه تحرك از کجاست. اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر، و تلاش برای هرچه با شکوهتر برگزار کردن آن در راه است.

جمهوی اسلامی بعنوان یك حکومت ایدئولوژیك از همان ابتدا دریافته بود که روز جهانی کارگر برایش مثل بختك است. به همین جهت خمینی خدا و پیغمبر را به یاری گرفت تا طبقه کارگر را قانع سازد که نیازی به رسمیت شناسی این روز نیست. وقتي اين حيله کارگر نیفتاد و ترفندهای دیکر نیز توسط وزن و جایگاه اجتماعی طبقه کارگر و شدت اعتراضات و مبارزات آن خنثی شد عاملین سرمایه بناچار ۱۱ اردیبهشت را بعنوان روز کارگر پذیرفتند. اما جنبه بین المللی و تظاهرت خیابانی آنرا هرگز برسمیت نشناختند. تلاش آنها این بود که کارگران را ناچار کنند تا در مراسمهای دولتی و در سالنهای دربسته شرکت لنند و حرفهای صد من یك غاز بشنوند. سه سال (۱۳۵۸ – ۱۳۶۰) پس از تظاهراتهای روز کارگر در اکثر شهرهای ایران که به برکت اانقلاب ممکن گردید اولین بار در سنندج بود که حکم و اراده حکومت اسلامی سرمایه را نادیده گرفتند و " اتحادیه صنعتگر " در اول مهه ها شهر را سه سال پیاپی (۱۳۶۵- ۱۳۶۷) به عرصه آوای سرود انترناسیونال و سر دادن قطعنامه هائی تبدیل کردند که خطوط یك قانون کار انقلابی را بدست دادند. اول ماه مه در سنندج، سال ۱۳۶۵ در پاساژ رنج آوری، سال ۱۳۶۶ در سالن تختی و سال ۱۳۶۷ در پاساژ عزتی برگزار شد. زنده یاد جمال چراغ ویسی سخنران مراسم اول ماه مه سال ۱۳۶۷ سنندج بود که توسط رژیم اسلامی دستگیر و اعدام شد.

بعد از ناممکن کردن برگزاری مراسمهای مستقل و با شکوه سنندج از جانب رژیم که با قتل و زندان و شکنجهه های جنایتکارانه ممکن گردید این کارگران و مردم آزاده در سقز بودند که این پرچم را سال گذشته بار دیگر برافراشتند. رهبران و فعالین رادیکال کارگری در چند شهر کردستان در سال گذشته همره با فعالین کارگری در تهران و رشت مراسم روز جهانی خود را بطور مستقل و با خواستهای رادیکال سازماندهی کردند. آنها کردستان را بخارج کردستان پیوند زدند و به این لحاظ ز مراسمهای دهه شصت سنندج فراتر رفتند. این دستاورد مهمی است و فعالین قصد دارند امسال به لیست شهرهائی که نمایندگانش در "شورای کارگران برگزار لننده اول ماه مه" شرکت کردند بیافزایند.

امسال تناسب قوا بین کارگران و رژیم به نسبت پارسال بهتر است. بدلایل زیر:

۱- پارسال مقامات و ماموران انتظامی در شهر سقز دچار یك اشتباه فاحش شدند. آنها به صف کسانی که عازم پارك لاله برای برگزاری مراسم بودند حمله کردند و ۵۰ نفر را دستگیر کردند و سرانجام ۷ رهبر و فعال کارگری را زندان کردند. کمپینی که راه افتاد رژیم را به تمامی در تنگنا قرار داد. نتایج این کمپین پیروزمند روحیه کارگران را بالا برد. دستگیر شدگان در داخل شناخته تر شدند و در سطح بین المللی نیز وجه پیدا کردند. خانوادههای آنها نیز بعنوان همسران و فرزندانی رزمنده شناخته شدند. این مسئله باعث شد تا بی حقوقی کارگران بیشتر مورد توجه قرار گیرد و ایران را زیر ذره بین قرار داد. با توجه به تماسی که این مبارزین با تشکلها و رهبران کارگری بینالمللی دارند توجه جهانی به مراسمهای اول ماه مه امسال بیشتر خواهد شد و همین امر امکان وحشیگری رژیم را کاهش خواهد داد.

۲- کارگران در تداوم مبارزات سالیان خود که عمدتا دفاعی بودند هم اکنون درگیر مبارزای کاملا تهاجمی و سراسری برای تحمیل حق تشکل به رژیمند. این مبارزه که هم اکنون جریان داشته و در حال گستردگی و تقویت است خود از یك تناسب قوای بهتر برخاسته و به نوبت خود بر بهبود تناسب قوای کنونی تاثیر خواهد گذاشت.

۳- امسال مراسمهای اول ماه مه بر بستر اعتراضی سرتاسری که علیه تعیین حداقل دستمزد وجود دارد، برگزار میشود. در چنین شرایطی میتوان زنان و مردان کارگر بیشتری را همراه با خانوادههایشان در وسیعتر و بهتر برگزار کردن مراسمها شریك کرد.

۴- افشار تحت ستم و اقشاری که قبلا برای تحقق مطالباتشان به دوم خرداد، بعنوان یکی از بروزات جنبش اصلاحات در ایران امید بسته بودند نومیدند. بخشی از این نیروها، مخصوصا در میان جوانان، تا حدی به چپ آمدهاند اینها میتوانند صفوف شرکت کننگان در مراسمها را گستردهتر کنند.

با توجه به نکات فوق مراسمهای امسال میتواند با صفوفی گستردهتر و با سخنرانیها و قطعنامه های با کیفیت تری پیش رود. در کردستان بایستی برای برگزاری مراسمهای در دل شهرها و یا خیابانها تلاش کرد. در خارج کردستان میتوان با انعطاف کامل عمل کرد.

مراسمهای امسال توسط رهبران و فعالینی شجاع، با تجربه و آگاه سازماندهی میشود. طبعا آنها خود تناسب قوا را میشناسند. نکاتی که من مطرح کردم صرفا برای توجه دادن و احتمالا بحث و تبادل نظر بود و بس.

فرارسیدن اول ماه مه فرخنده باد.*

لندن،۱۷ آپریل ۲۰۰۵

کارگر ایران خودرو در زندان اوین

در 23 فروردین 1384، وقتي كارگران شيفت صبح سالن تعميرات به سركار آمدند متوجه توقف خطوط توليد به علت قطع هاي متناوب كابل هاي برق شدند . كه اين توقف تا ساعت 11صبح ادامه داشت . در همين راستا تعدادي از كارگران به حراست فراخوانده شدند كه بعد از بازجويي هادر نهايت پرويز سالاروند به زندان اوين برده شد كه تا كنون در آن جا به سر مي برد .از آن تاريخ تا به امروزحراست كارخانه كارگراني را به تناوب مورد بازخواست و بازجويي قرار مي دهد وجو خفقان و ارعاب بيشتري دركارخانه حاكم شده است. آقاي سالاروند داراي همسر و دو كودك خردسال مي باشد.*

اول مه، روز جهانی کارگر گرامی باد

اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر، در دل فصل زیبای بهار فرامیرسد. این روز بهمه ما زنان و مردان کارگر تعلق دارد. در این روز کلیه تعلقات محلی، نژادی و ملی بکناری گذاشته میشود و یا باید کنار گذاشته شود. به این دلیل ما این روز را بهمه کارگران دنیا تبریک میگوئیم. به لحاظ تعلق سیاسی ما خود را بخشی از آن نیروئی بحساب میآوریم که با اساس جامعه سرمایه‌داری یعنی استثمار مخالفت میورزند و علیه آن مبارزه میکنند. با اینحال در این روز روی همبستگی طبقاتی و هویت کارگریمان تاکید میورزیم.
امروز سرمایه در سراسر دنیا در تاخت و تاز است. آزادانه به اکثر نقاط گیتی سرک میکشد و هر جا که نیروی کار ارزان، بدون تامین و یا با حداقل تامین پیدا کند، هر جا امکان تولید و حمل و نقل بهتر پیدا کند همانجا قصد فرود و ورود میکند. بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ناتو و نیروی نظامی آمریکا نیز پشتیبان این حرکت آزاد سرمایه هستند. شرایط ناامن کار و دستمزد پائین کارگران در اکثر کشورها، مخصوصاً در چین و ویتنام و اندونزی و هندوستان و غیره که محل ورود سرمایه‌اند خود شاهدان این وضعند. در اول ماه طبقه جهانی ما باید با رسمیت شناسی این وضعیت تاسف انگیز بیاد داشته باشیم که سرمایه‌داران جهانی و دولتهایشان خود دچار تفرقه ای ژرف هستند. این امر در کشمکش بین سرمایه‌های آمریکائی، اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، خود را مینمایاند. روسیه و هندوستان نیز در صف ورود به خط اول جبهه کشمکشها هستند. اگر دنیا به اینها واگذاشته شود آینده مهلکی در انتظار بشریت خواهد بود. پیش پرده این اوضاع وحشتناک را کارگران و مردم محروم در عراق دارند تجربه میکنند. طبقه ما که خاک شده باید از زمین نیرو بگیرد و بار دیگر بپا خیزد، بر دستاوردها و تجارب جهانی خود اتکا کند و اجازه ندهد که سرمایه‌داران دنیا را بیش از این به عقب ببرند.
سرمایه‌داران و دولت اسلامی سرمایه در ایران، با تمام جناحها و متفرعاتش و از آنجمله خانه کارگر و شوراهای سلامی کار باشکال مختلف بجان کارگران افتاده‌اند. محرومیتهای قانونی نظیر محرومیت از حق اعتصاب و تشکل، بیکاری، کار موقت، کنترات سفید، دستمزد ناچیز و پرداخت نشده، محیط ناامن کار مصیبتهای زیادی بر طبقه ما تحمیل کرده است. مقابله وسیعی را که زنان و مردان کارگر علیه توحش سرمایه در ایران به پیش میبرند بدلیل نبود تشکلهای رزمنده کارگری آن تاثیرات لازم را نداشته است. خوشبختانه رهبران گرایشهای مختلف کارگری دارند میکوشند موانع سرراه را یک بیک بردارند و تشکلهائی بسازند که هیچ نیروی دولتی، کارفرمائی و غیرکارگری توان دخالت در سیاستگزاریها و اقدامات آنرا نداشته باشد. کمیته پیگیری با بیش از ۲۳۰۰ امضا شروع حرکتی است که گرچه بجای اتکا به توان مبارزاتی توده کارگر به وزارت کار متوسل شده، اما بهر اندازه نیاز و تمایلات کارگران رادیکال را منعکس کند جای خوشحالی است. گرایش ضد استثمار در میان کارگران و رهبران شاخص آن نیز مشغول فعالیتهای مثمر ثمری هستند که امید است نتایج آن بزودی معلوم گردد. اعتراض سراسری به تعیین ۱۲۲ هزار تومان حدااقل دستمزد ماهانه برای کارگران خود میتواند این حرکت را شتاب بخشد. اینها همه میتوانند دستمایه ای برای تقویت کیفیت مراسمها، سازماندهی بهتر آنها و فراهم آوردن امکان برای شرکت وسیعتر در اول مه امسال باشند. این مراسمها با توجه به تناسب قوا میتواند به اشکال مختلف پیش برود.
کارگران در کردستان نیز بخشی از جنبش سراسری هستند و رهبران آن نه فقط در میان کارگران بخشهای دیگر ایران که در میان تشکلهای سراسری کارگران جهان دارای نفوذ و اعتبار هستند و میتوانند نقش شایسته خود را ایفا کنند. حرکت کارگران و مردم آزاده در اول مه ۱۳۸۳ هجری (۲۰۰٤ میلادی) در سقز، دستگیری هفت نفر از آنان و توجه بخش قابل زیادی از تشکلهای کارگری دنیا به آن زمینه را برای برگزاری هرچه وسیعتر اول ماه مه امسال فراهمتر کرده است. در کردستان زمینه برای برگزاری مراسم مستقل در شهرها فراهمتر میباشد و ضروری است رهبران کارگری و فعالین اول مه بکوشند در این روز شهرها را به تصرف خود گیرند.
روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در اغلب کشورها روز رویاروئی نیروهای سرمایه و کار بوده و طبقه ما در این کشاکشها بزرگانی را از دست داده است که یکی از آنها رفیق جانباخته جمال چراغ‌ویسی، سخنران مراسم اول ماه مه سنندج در سال ۱۳٦۸ است. ما یاد همه جانباختن طبقه کارگر در این روز گرامی میداریم.*

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی
۲۹ فروردین ۱۳۸٤

در ستایش دیالکتیک

امروز، بی عدالتی با گام مطمئن به پیش می آید.
ستمگران خود را برای ده هزار سال باقی ماندن، سازمان می دهند.
خشونت تأکید می کند: همینی که هست، همین طور باقی خواهد ماند.
هیچ صدائی جز بانگ اربابان به گوش نمی رسد.
و استثمار، بر سر بازار، با صدای بلند فریاد می کشد:
کجایش را دیدید، هنوز اول کار است.
ولی در میان کسانی که تحت ستم به سر می برند، اکنون بسیارند که می گویند:
آنچه را که ما در طلبش هستیم هرگز تحقق نخواهد یافت.

اگر تو هنوز زنده ای، کلمه « هرگز» را به زبان نیاور.
حتماً ، حتمی نیست.
همینی که هست، همین طورباقی نخواهد ماند.
اگر اربابان حرف شان را زده اند.
نوبت صحبتِ دربند کِشیدگان نیز فرا خواهد رسید.
چه کسی جرأت دارد که بگوید؛ هرگز؟
پا برجا ماندن ستمگری در دست کیست؟- در دست ما.
در هم شکستن آن در دست کیست؟- در دست ما.
اگر از دست رفته ای، به جنگ!
کسی را که از و موقعیت خود آگاهی یاقته است، چگونه می توان مهارش کرد؟
زیرا که مغلوبین امروزی، غالبان فردایند.
خواهیم ساخت.*امروز، یک هرگزو ما از یک

بر تولت برشت

ایجاد عملی تشکلها و نهادهای کارگری بدست کارگران را در دستورکاربگذاریم!

بهزاد بارخدایی

۲۰ فروردین ۱۳۸۴

جنبش کارگری مدتی است که پا به دوره جدیدی گذاشته است. در مقابل کل جنبش کارگری دنیایی از کار و فعالیت قرار دارد. فعالین کارگری مدتی است دست به کار ساختن تشکلات کارگری، نهادهای اعتراضی ، برپایی اعتصابات برای حق و حقوق انسانی و اولیه خود، مبارزه برای برگزاری مراسم اول مه، مقابله با بیدادگاههای سرمایه داری (دستگیری و احضار فعالین کارگری اول مه سقزبه دادگاههای دربسته) و ... شده اند.

شناساندن هرچه بهتر و همه جانبه تر اوضاع کارگران و بی حقوقیهایشان به نهادهای بین المللی و جذب هر چه فعالتر پشتیبانی جهانی به اشکال وسیع و موثر به پیش میرود. به همت گرایش چپ جنبش کارگری شرایط واقعی کارگران به گوش نهادها و سازمانهای مختلف جهانی رسیده و کسب پشتیبانیهای عملی تری در دستور این نهادها قرار گرفته است.

تمامی گرایشات درون جنبش کارگری در چند سال گذشته به اشکال مختلف برای طرح نظرات و خواسته های خود در جنبش کارگری در صحنه حضور داشته اند. اگر در دوره ای فقط گرایش راست در سطح عمومی نمایان بود و بروز نظری داشت، دراین چند سال گرایش چپ و ضد سرمایه داری جنبش کارگری توانسته به اشکال مختلف خود را طرح کند و عملا به موفقیتهایی دست یابد.

بخشی از گرایش راست بعد از سالها، با فعالیت عملی و فشارهای مبارزاتی ضد سرمایه جنبش کارگری، آزادی تشکلات را پذیرفته و این خود موفقیتی برای گرایش چپ است که باید ادامه یابد.

گرایش راست هنوز اسیر اجازه گیری ازارگانهای دولتی است ودر آینده نیز چنین خواهد بود، و این نشانی دیگراز ناپیگیری این گرایش است. برای گرایش چپ ضروری است که با آلترناتیو عملی خود، کل جنبش را در مسیر واقعی یعنی ساختن عملی تشکلات طبقاتی کارگران راه برد و این ناپیگیری و انحراف گرایش راست را بار دیگر پشت سر بگذارد. گرایش متکی بر مبارزه طبقاتی در درون جنبش کارگری مبارزه ای پیگیرتر با آلترناتیو مشخصتررا برای کل جنبش طبقه کارگر به پیش میبرد.

جنبش کارگری ایران چه در مقابل دستگاه دولتی و چه در درون خود با گرایشات راست و سازشکار وارد مبارزه رودروتری شده است، و میرود که در طول مصافهایش با آلترناتیوهای کنکرت راست وچپ مواجه گردد. به حکم این واقعیت پیچ و خمهای فراوانی در مقابل جنبش کارگری قرار گرفته است. طیف چپ جنبش کارگری با مسئولیت سنگینی در پیشروی مبارزه طبقاتی روبروست: باید از یکسو در مقابل دولت سرمایه داری ایستادگی کند و از سوی دیگر در مقابل گرایش راست درون جنبش کارگری آلترناتیوهای خود را، برای جنبش کارگری و کل جامعه، بشکل مستحکمتری طرح و عملی نماید.

طرح ارائه شده از طرف «کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلات کارگری» شمایی از آلترناتیوهای مختلف درون جنبش کارگری را به نمایش میگذارد. اگر در چند سال گذشته گرایش سوسیالیستی مجبور بود که تشکلات فرمایشی دولتی و دسته پخته اتحادیه جهانی را نقد و افشا کرده و بطور عملی در مقابل آن ایستادگی کند، امروز نیز می باید برای رفع موانع تشکل یابی کارگران بر ناپیگیری گرایش راست مبنی بر اجازه گیری وتقاضا از وزارت کار جمهوری اسلامی (که وظیفه اش خفه کردن جنبش کارگری بوده و است) غلبه کند.

گرایش چپ و سوسیالیستی با مبارزه پیگیر خود گرایش راست را به عقب رانده و آنها را به پذیرش بخشی از خواسته ها ی خود یعنی آزادی تشکل برای کارگران واداشته است، گرچه گرایش راست باردیگر ناپیگیر و چشم به دستگاه دولتی، اجازه تشکل را به وزارتخانه ها حواله میدهد. در آینده این اختلافات به اشکال مختلف خود را نمایان کرده و عملا بروز خواهند یافت و در موارد متنوع وفراوانی راست و چپ جنبش کارگری در مقابل هم قرار خواهند گرفت.

تا آنجا که به «کمیته پیگیری» و اجازه گیری برای ساختن سازمانهای کارگری برمیگردد، استراتژی جدیدی بیان و طرح نشده است. مدتهاست که گرایش راست با سیاست سازش و همکاری با سرمایه قدم به میدان گذاشته است. گرایش چپ در دور گذشته نشان داد که مدافع پیگیر حق تشکل واقعی کارگران است وتوانسته گرایش راست را به قبول آزادی تشکلات وادارد. در این شرایط ضروری است که گرایش چپ بطور عملی مبلغ ایجاد و تشکیل تشکلات و تجمعات کارگری در کارخانه ها و کارگاهها باشد. و عملا در مقابل گرایش راست متکی بر اجازه گیری از نهادها و ارگانهای دولتی، در جهت ایجاد سازمانهای کارگری اقدامات عملی کند و به ساختن تشکلات هر چه بیشتری بپردازد. بدین شکل میتوان باردیگر از گرایش راست درون جنبش کارگری سبقت گرفت و نگذاشت که تلاش برای ساختن و ایجاد سازمانهای کارگری واقعی بدست کارگران به هدر رود.

گرایش چپ جنبش کارگری باید خود را آماده مبارزه در سطوح متفاوتی کند. حتی زمانی که تشکلات توده ای کارگری در سراسر کشور ایجاد گردند (و میباید از امروز به فکر ایجاد چنین تشکلاتی بود) گرایش راست و چپ در مورد مسائل مختلف کارگری اظهار نظر کرده وبرای طرحها ونظرات خود به جمع آوری نیرو خواهند پرداخت. گرایش چپ به آنچنان قدرت سیاسی و تشکیلاتی نیاز دارد که او را از توانایی لازم برای کسب مطالبات و حقوق کل کارگران در مقابل سرمایه و کارفرمایان برخوردار کند.

تشکلات کارگری فردای ما آیا تشکلات سازش به نفع کارفرمایان و سرمایه داران خواهند بود و یا تشکلاتی که برای دفاع از منافع کارگران واعضای خود در مقابل کارفرمایان وسرمایه داران قرار گرفته و به مبارزه با آنها میپردازند؟ جنبش کارگری در سطح جهانی تجربیات گرانبهایی در این زمینه بر جای گذاشته است.

گرایش سوسیالیستی جنبش کارگری در ایران ازهم اکنون نیاز دارد که آلترناتیوهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را برای پیشروی هرچه بیشترکل جنبش کارگری طرح کند و دردستور کار بگذارد. ایجاد مجامع عمومی کارگری و نیزاز همین امروز ساختن تشکلات طبقاتی و واقعی کارگران را پیگیرانه در دستورکار فعالین کارگری گذاشتن، یک ضرورت است.*

رفسنجانی ، سردار سازندگی دیروز و" محلل" امروز!؟

شروین رها

آوریل ۲۰۰۵

به پایان یافتن دور دوم ریاست جمهوری خاتمی وآمدن کسی دیگر برای گرفتن این پست در ایران ، زمان چندانی باقی نماند ه است ـ اگرچه در دوران خاتمی برای شکل گیری انسجام سیاسی، به منظور اصلاح در قوانین اداری ،قضایی ، اجتماعی و اقتصادی ، جهت رفع موانع بارآوری کار در ایران و ادغام در سرمایه جهانی(گلوبالیزاسیون) تلاشهای زیادی شد و اگر چه ترکیب مجلس هفتم و نیز حاکمیت ، با شکست جناح موسوم به دوم خرداد تا حدودی یکدست تر شد، اما هنوز آن الیت سیاسی ،که میبایست نماینده گی حکومتی نئولیبرال در ایران را رسمیت دهد و مورد تایید دولتهای بانفوذ در اقتصاد سرمایه داری جهانی قرار گیرد ، شکل نگرفته است ـ

مدتی است که دوباره رفسنجانی ،که یکی از سران با نفوذ رژیم اسلامی از همان ابتدای کار و رئیس تشخیص مصلحت جمهوری اسلامی است ، در رابطه با نوع سیستم اداره آتی کشور و تنظیم روابط ایران با سیستم جهانی و مدل توسعه، در این جا و آنجا به اظهارنظر میپردازد و از طرف رسانه های خبری در غرب ، مورد مصاحبه قرار میگیرد وحتی صحبت ازاحتمال رئیس جمهور شدن وی میشود ـ

در مصاحبه با روزنامه امریکای امروز، در مورد مشکلات رابطه ایران با آمریکا، رفسنجانی ادعا میکند که یکی از محللهای مسئله ایران و آمریکاست ـ و در مراسم افتتاح سمینار جهانی شدن و زن مسلمان میگوید : صدها سازمان بین المللی است که هر یك بخشی از اختیار دولتها را گرفته اند ـ ما نمیتوانیم بر خلاف مصوبات آنها در داخل کشور کاری کنیم و در این میان سازمان بین الملل بزرگترین آنهاست ـ <u>در بعد اقتصادی ، بانك جهانی ، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و غیره مقرراتی را دارند که اگر مراعات نکنیم نمیتوانیم از امکاناتشان بهره بگیریم</u> ـ(به نقل ازسایت اینترنتی پیك نت ، تاکیدات از من است)

اگر چه رفسنجانی و دولتش از سالها قبل وبه محض پایان یافتن جنگ ایران و عراق، پروژه هایی را در انطباق با سیاست جدید جهانی در دستور کار گذاشته بودند و تحت نام تعدیل نیروی انسانی به بیکارسازی گسترده ای در صنایع و کارخانه ها دست یازیدند و خصوصی سازی را به اجرا در آوردند ، اگرچه تلاشهای بین المللی گسترده ای چه پنهان وچه آشکار در رابطه با آمریکا و اروپا سازمان دادند، ولی هیچ وقت اینچنین روشن به محسنات سازمان تجارت جهانی و بانك جهانی در جان دادن به اقتصاد سرمایه داری در ایران لب به سخن نگشوده بودند، آن هم از زبان کسی که از مقامات بالای حکومتی در ایران است ـ چرا که در دوره ذکر شده ،این انتقال نه تنها به سرانجام نرسیده بود بلکه حتی در آغاز کار بود تااین چنین آشکار گفته شود که حالا میشود .

یکی ازدلائل پایه ای که منجر به تحولات 1357 در ایران شد. ناخوانی مدل رژیم دیکتاتوری شاه با اقتصاد یک جامعه سرمایداری بود.در مقابل صف خواهان تحولات انقلابی که مشتمل بر نیروی عظیم توده ای و در مرکز آن شوراهای کارگری بودند،و برای از تیر رس بدر بردن موقعیت سیاسی سرمایه ضربه خورده ناشی از آن ، رژیم تازه به قدرت رسیده درهئیت ایده ئو لوژیک اسلامی میبایست قبل از هر گونه طرح اقتصادی ،اقدامات عاجلی در دستور میگذاشت و آن فراهم کردن انسجام سیاسی و نظامی در مقابله با عمیق تر شدن این تحولات انقلابی و در اولین قدم از بین بردن این شوراهاو نیز تشکلهای سیاسی و چپ و آزادیخواهانه بود . همزمان و به موازات این اقدامات در جامعه ، مسائل منطقه و تنش ناشی ازخلاءسیاسی در آن و جنگ ایران و عراق و ادامه طولانی آن نیز در به تعویق انداختن چرخش ناگزیراقتصادی سرمایه در ایران دخیل بود و تازه بعد از آن بود که این روند میتوانست آهنگی بگیرد.تحولات جهانی ، فروپاشی بلوک شرق وپایان جنگ سردو شکل گیری قطب های جدیدبین المللی ناشی از آن به آهنگ ضرورت مدل اقتصادی توسعه در ایران شدت بخشید .

بیان عملی آنچه اکنون رفسنجانی به زبان آورده ، دال بررعایت مقررات ارگانهای پیش برنده سیاستهای نئولیبرالیستی همچون بانك جهانی و صندوق بین المللی پول ، سازمان تجارت جهانی وسازمان جهانی کار، البته نه از اراده گرایی ایشان بر میاید و نه حرف تازه ای است ـ چراکه دقیقاً دهسالی است که رژیم اسلامی برای برون رفت از بن بست اقتصادی و در جهت ادغام در بازار جهانی از هیچ تلاشی عملی فروگذاری نکرده است و این همان مدلی است که کل طبقه سرمایه دار و سخنگویانش نه تنها در خود رژیم جمهوری اسلامی بلکه حتی در طیف سلطنت طلبان ، اتحادهای رنگارنگ جمهوریخواهان لیبرال _ لائیك ورفراندم چیهای داخل و خارج از ایران بدنبال آنند ـ آنچه تازه است شکل دادن به آن رهبری سیاسی و الیت سیاسی است که تلاش امثال رفسنجانی در انتخابات رئیس جمهوری را دو چندان میکند ـ " با توجه به مسائل پیش گفته و این که با حضور بنده یك مقدار آرای انتخاباتی بالاتر و بیشتر خواهد شد و همچنین تنازعات در جامعه کم میشود،اکنون وظیفه سنگینی برای حضورخود در انتخابات احساس میکنم و اینها عوامل تشویق کننده من است ـ " (از سخنان رفسنجانی در اولین کنگره راهبردی انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت ، تحت عنوان " امدنم جدی تر شده است " به نقل از ایرنا،پنجشنبه 25 فروردین 84)

اما مبارزه طبقاتی جاری در ایران که به شدت قطبی شده است ، دو سر دعوا دارد و در این گذار یا طبقه کارگربا ایجاد تشکل های سراسری - طبقاتی خود(که اکنون بارقه های ازآن به وضوح دیده میشود) و تحمیلش به دولت سرمایه داران، به وزنه ای قابل اتکا به منظور آزادی و رفاه در جامعه تبدیل میشود و یا در فقدان آن ، سرمایه داری سکان جامعه را به سوی مدل توسعه و جهانی شدن باتراژدی انباشت سرمایه وتحمیل روی دیگر آن به جامعه، یعنی تشدید فقر وفلاکت ، هدایت میکند ـ آنچه امثال رفسنجانی در سر میپروراند و آینه تمام نمای جهانی شدن است ، عادی سازی روند این گردش است.*

نحسی روز کارگر برای شوراهای اسلامی

رضا مقدم

سال گذشته شوراهای اسلامی هدفشان استفاده از مراسم روز کارگر برای تحکیم موقعیتشان در خارج از ایران و در بین تشکلهای کارگری جهانی بود. به همین جهت نمایندگانی از کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری را در اوایل اردیبهشت به ایران دعوت کرده بودند تا از جمله با بردن این هیات به مراسم 11 اردیبهشت میزان نفوذ و اعتبار خود در میان کارگران را به آنها نشان دهند. شوراهای اسلامی به موفقیت خود برای تحت تاثیر قرار دادن نمایندگان "آی سی اف تی یو" اطمینان داشتند، چرا که رژیم اسلامی به هیچ جریانی جز آنها اجازه تظاهرات در روز کارگر را نمیدهد. البته چندین سال است که مقامات امنیتی به توان شوراهای اسلامی در استفاده از این حق انحصاری مشکوك هستند. زیرا مخالفت و اعتراض بی پایان و همیشگی کارگران علیه شوراهای اسلامی به صفوف خود آنها هم سرایت کرده است و حال سران خانه کارگر حتی قدرت کنترل همان چند هزار عضو خود، از میان چند میلیون کارگر در تهران، را هم ندارند. علت مخالفت وزارت کشور با مسیرهایی که شوراهای اسلامی برای راهپیمایی بر می گزینند هم از همینجاست.
پارسال و علیرغم تمامی موانع، محمود صالحی به همراه محسن حکیمی به عنوان مترجم اش به دیدار نمایندگان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری رفت، هم وضع طبقه کارگر ایران را برایشان تشریح کرد و هم ماجرای مراسم فرمایشی 11 اردیبهشت که قرار بود به این هیات نشان دهند را افشا کرد و از آنها دعوت کرد که همراه خودش به یك مراسم روز کارگر غیر دولتی بروند. این هیات اگر چه نتوانست شاهد یك مراسم غیر دولتی روز کارگر در ایران باشد اما از رفتن به تظاهرات میدان بهارستان خانه کارگر هم سر باز زد. دو روز بعد از این دیدار، نیروهای انتظامی سقز به کارگرانی که در صدد برگزاری مراسم روز کارگر بودند حمله کردند و از جمله محمود صالحی و محسن حکیمی را که دو روز قبل با هیات اعزامی "آی سی اف تی یو" دیدار کرده بود را هم دستگیر کردند. اخبار این دستگیری ها و اعتصاب غذای دستگیرشدگان در جنبش کارگری جهانی ابعادی عظیمی یافت و اعتراضات کاملا بی سابقه ای را علیه رژیم جمهوری اسلامی برانگیخت که تمام سال ادامه داشت. از این نظر روز کارگر سال گذشته برای شوراهای اسلامی و خانه کارگر نحس بود.
امسال شوراهای اسلامی هدفشان استفاده از مراسم روز کارگر برای تحکیم موقعیتشان در داخل بود. خانه کارگر به دنبال کنگره ای که چند ماه قبل برگزار کرد اولین تشکلی بود که بطور سازمانیافته تبلیغات برای ریاست جمهوری رفسنجانی را آغاز کرد. طی این مدت شوراهای اسلامی همه جا اعلام کردند که در دوره 8 ساله ریاست جمهوری رفسنجانی اگرچه بیشترین بیکار سازیها و باز خریدها صورت گرفت و صدها هزار کارگر را اخراج کرد و میلیونها کارگر و خانواده هایشان را خاك سیاه نشاند اما دوره "عزت" خانه کارگر و سرانش بوده است. شوراهای اسلامی بازگشت دوباره رفسنجانی به کاخ ریاست جمهوری را بازگشت دوره "عزت و اعتبار" خود می دانند. کاهش حمایت رژیم اسلامی از شوراهای اسلامی، چنان وضعیت دشواری برای آنها بوجود آورده است قدرت دیدن بی اعتباری مطلقشان در بین کارگران را و توان شنیدن پند و اندرزها و هشدارهای وزارت کشور و وزارت اطلاعات را ندارند. از نظر این وزارت خانه های امنیتی به صلاح اسلام و رژیم اسلامی نیست که شوراهای اسلامی کارگران را برای وسط شهر تهران و یا مقابل اماکن دولتی به راهپیمایی دعوت کند و این در مراسم امسال به اثبات رسید.
درسی که امسال کارگران به شوراهای اسلامی دادند نحسی روز کارگر پارسال را کاملا تکمیل کرد. شوراهای اسلامی دو سال پیاپی است که تمام برنامه هایشان برای روز کارگر به ضد خودش تبدیل میشود. پارسال آبرویشان در خارج از ایران رفت و امسال در میان دوست و آشنایانشان در حاکمیت، در میان کارگران هم هیچ وقت آبرویی نداشتند. وقایع امسال اول ماه مه را باید با شرح جزئیات و عکسها و اظهار نظرهای امثال محجوب برای اتحادیه های کارگری جهان و سازمان جهانی کار فرستاد. سازمان جهانی کار باید بداند که تشکلی را که بعنوان تشکل کارگران ایران پذیرفته حتی با کمك انتظامی رژیم اسلامی و در پایتخت ایران توان برگزاری یك میتینگ چند هزار نفری را ندارد. امسال اول ماه مه هم برای کارگران و هم شوراهای اسلامی در امتداد سال گذشته بود. امسال روز کارگر برای خانه کارگر و شوراهای اسلامی در امتداد نحسی روز کارگر پارسال بود و آنها با بزرگترین رسوایی حیات خویش روبرو شدند؛ و همچنین روز کارگر امسال برای کارگران نیز در امتداد روند رو به پیش پارسال بود و کارگران نسبت به سال قبل مراسم روز کارگر را بسیار سازمان یافته تر، گسترده تر، متنوع تر و با قطعنامه هایی بسیار شفاف تر برگزار کردند.
بعلاوه امسال اطلاعیه های جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سهند و همچنین ویژه نامه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت اول ماه مه، نشان روند رو به رشد توجه جنبش دانشجویی به طبقه کارگر و مسائل و مبارزاتش است. با امید به اینکه در روز کارگر سال آینده شوراهای اسلامی رسوا تر و کارگران متحد تر و سر افراز تر باشند.*

سوم می 2005

آدرسهای تماس مستقیم
با
اتحاد سوسیالیستی کارگری:

wsu@home.se
شورای مرکزی: shoramarkazi@yahoo.fr
کمیته خارج: wsu-t.xarej@home.se